



بسمه تعالی

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۳-۱۴۰۲

مهر مدرسه

ساعت برگزاری: ۹ صبح	نرد: ۱۷	مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه
---------------------	---------	------------------------

شماره یا نام صحیح اول	نرد به عدد	نرد به حرف
شماره یا نام صحیح دوم	نرد به عدد	نرد به حرف

کد امتحان:	۲۴۰۲۲/۱۲
تاریخ آزمون:	۱۴۰۳/۰۳/۲۳
عنوان:	فلسفه (۳)
کتاب:	منتخب بدایه الحکمه
محدوده:	از فی المعقولات العشر تا پایان کتاب
حذفیات:	ندارد

کد طلایی: .....

کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخ نامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- استقامت و انحناء، جزء کدام نوع از اعراض هستند؟ ص ۲۲

ا) کم

ب) کیف مخصوص به کم متصل

ج) کیف مخصوص به کم منفصل

د) کیف استعدادی

۰/۵

۲- علت، چه چیزی به معلول می دهد؟ ص ۲۴

ا) ماهیت

ب) سیروت

ج) وجود

د) اتصاف ماهیت به وجود

۰/۵

۳- فاعلیت انسان نسبت به صور خیالی ای که در خود ایجاد می کند، از کدام نوع است؟ ص ۲۸

ا) فاعل بالقصد

ب) فاعل بالتجلی

ج) فاعل بالرضا

د) فاعل بالعنايه

۰/۵

۴- بنا به نظر مشهور حکیمان قبل از ملاصدرا، حرکت در کدام مقولات رخ می دهد؟ ص ۳۲

ا) این، کیف، کم، وضع

ب) کم، کیف، متی، این

ج) کم، کیف، وضع، متی

د) کم، کیف، این، اضافه

۰/۵

۵- کدام گزینه صفات فعلیه خداوند است؟ ص ۴۴

ا) احیاء، حیات، علم به ذات

ب) حیات، احیاء، قدرت

ج) علم به نفس، خلق، قدرت

د) احیاء، رزق، خلق

۰/۵

۶- دیدگاه منسوب به حکما درباره صفات حقیقی واجب تعالی، کدام گزینه است؟ ص ۴۵

ا) زائد بر ذات و لازم آن هستند و به سبب قدیم بودن ذات واجب، واجب هستند.

ب) عین ذات متعالی واجب هستند و هر یک عین دیگری است.

ج) زائد بر ذات هستند ولی حادثند.

د) معنای اتصاف ذات واجب به این صفات آن است که افعال او مانند افعال دارنده آنها است.

۷- قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» را اثبات کنید. ص ۲۶

۲

پاسخ: باید بین علت معلول سنخیت ذاتی باشد که بین هر کدام از این دو این سنخیت نباشد و اگر نه جایز بود هر چیزی علت برای هر چیزی باشد و همچنین هر چیزی معلول برای هر چیزی شود. پس اگر از علت واحد، معالیل کثیره متباینه صادر شود لازم می آید وجود جهات کثیره در علت درعین اینکه جهت واحده دارد و این محال است.

۸- فاعل بالتجلی و بالتسخیر را تعریف کرده و برای هر یک مثال بزنید. ص ۲۸ و ۲۹

۲

پاسخ: فاعل بالتجلی فاعلی است که با علم تفصیلی قبلی به کار، آن را انجام می دهد و آن علم تفصیلی سابق عین علم اجمالی او به ذاتش می باشد (نمره ۰/۷۵) مانند نفس مجرد انسان مبدأ برای جمیع آثار و کمالاتش است. (نمره ۰/۲۵) فاعل بالتسخیر فاعلی است که فعلش از آن جهت که به او نسبت داده شود که او را فاعل دیگری است که آن فاعل با فعلش هر دو به آن فاعل مستند می باشند، چنین فاعلی در فعل خودش مسخر است. (نمره ۰/۷۵) مانند قوای حیوانی که مسخر نفس آدمی است. (نمره ۰/۲۵)

۹- حرکت جوهری را اثبات کنید. ص ۳۴

۲

پاسخ: برهان اول: در برخی اعراض، حرکت و تحول روی می دهد، علت این اعراض متغیر، طبایع و صورت های نوعیه است که در موضوع اعراض منطبق است و علت پدیده متغیر باید خود متغیر باشد زیرا سبب قریب حرکت خود امری تدریجی است. برهان دوم: اعراض از مراتب وجود جوهرند و وجودی مستقل از آنها ندارند بنابراین هر گونه تغییری در یکی از شؤون وجودی روی دهد نشانه تغییر ذاتی آن موجود است در نتیجه حرکت در اعراض جلوه ای از حرکت در جوهر آن اعراض است.

۱۰- برهان بر وجود زمان در حرکت را بنویسید. ص ۳۶

۲

پاسخ: حوادثی که حرکت در آنها روی می دهد قابل انقسام هستند و اجزای فرضی این حوادث بایکدیگر جمع نمی شوند زیرا وجود فعلی هر قطعه، متوقف بر زوال قطعه پیش از آن است و هر یک از این قطعه ها هم قابل انقسام به قطعات دیگر است که امتناع اجتماع در وجود بین آنها برقرار است که این نشان می دهد یک کمیت غیر قار و متصل بر اجسام متحرک عارض می شود که غیر از حرکت است زیرا حرکت مبهم است ولی زمان متعین است.

۱۱- با توجه به عبارت «العلم بالتغیر غیر تغیر العلم، و المتغیر ثابت فی تغیره، لا متغیر؛ و تعلق العلم به اعنی حضوره عند العالم من حیث ثباته لا تغیره و الا لم یکن حاضرا فلم یکن العلم حضور شیء لشیء هذا خلف» توضیح دهید چگونه تغیر در علم جزئی، موجب مادی بودن علم جزئی نیست؟ ص ۴۲

۲

پاسخ: در علم جزئی، ما علم به تغیر داریم نه اینکه علم ما متغیر باشد تا لازمه آن مادی بودن علم جزئی باشد و اینکه می گوئیم علم به تغیر داریم متغیر ما نیز از این جهت که متغیر است ثابت است نه متغیر، و علم ما به متغیر نیز از همین جهت به او تعلق می گیرد یعنی از جهت ثباته فی تغیره؛ لذا معنای علم که حضور شیء برای شیء دیگر است حاصل است و الا اگر جنبه ثابت او ملاحظه نشود حضوری نیست و اگر حضور نباشد علم حاصل نمی شود.

۱۲- از راه قاعده «صرف الوجود»، وحدانیت واجب تعالی را اثبات کنید. ص ۴۳

۲

پاسخ: مقدمه اول: وجود واجب تعالی وجودی صرف است (ماهیت ندارد پس فقط وجود است و صرف الوجود است). مقدمه دوم: صرف الشیء قابل تنبیه و تکرار نیست و دومی برای آن قابل فرض نیست. پس وجود واجب تعالی قابل تنبیه و تکرار نیست و دومی برای آن قابل فرض نمی باشد.

۱۳- شبهه ابن کمونه بر «وحدانیت واجب تعالی» را تقریر کرده، پاسخ آن را بنویسید. ص ۴۴

۲

پاسخ: اشکال: چرا جائز نباشد دو واجب الوجود بالذات (دو هویت بسیط، مختلفان به تمام الماهیه) موجود باشند. و مفهوم واجب الوجود از هر دو منتزع شود. پاسخ به اشکال: ۱- انتزاع مفهوم واحد از مصادیق مختلف بما هی مختلف جایز نیست (امکان ندارد) ۲- با این اشکال اثبات ماهیت برای واجب الوجود می شود و آن محال است چون ماهیت نداشته و ماهیتش وجودش می باشد. (یک پاسخ کافی می باشد)